

دوفصلنامه پژوهش های علوم نظامی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)،
سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹: ص ۷۸-۳۵

تحولات سوریه متأثر از نقش عربستان و تأثیرسنجی آن بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران

دکتر علی اکبر رمضان زاده^۱، دکتر محمدرضا بشارتی^۲، رضا شاهقلیان قهفرخی^۳،

محمدهادی مهدوی راد^۴

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی «تحولات سوریه متأثر از نقش عربستان و تأثیرسنجی آن بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران» انجام شده است. در اجرای این نقش، محققان به منظور دستیابی به نتایج مطلوب علمی، با استفاده از تحقیقات میدانی مؤلفه امنیت دفاعی، مجموع ۳۰ شاخص احصاء شده را مورد سنجش قرار داده‌اند. حجم نمونه آماری در این پژوهش، با استفاده از روش اعتبارسنجی به دست آمده، ۶۵ نفر می‌باشند. این نوشتار که نمونه یک طرح اعتبارسنجی است؛ از حیث هدف، یک پژوهش کاربردی؛ از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی-تحلیلی (اعتبارسنجی) و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش، متکی به روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. نتیجه به دست آمده از مؤلفه امنیت دفاعی با میانگین رتبه ۴,۳۷ است. می‌توان گفت تحولات سوریه به دو گونه سلبی و ایجابی که از یک سو با ایجاد چالش‌های امنیتی و آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی، همه ابعاد امنیت ملی را به مخاطره انداخته که ضریب امنیت دفاعی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، فرصت‌های مناسبی نیز برای ایران فراهم ساخته و می‌سازد که به شرط بهره‌برداری و استفاده مناسب و بهینه از آن‌ها، پایه‌های امنیت ملی تحکیم شده و ضریب امنیت دفاعی افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: تحولات سوریه، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت دفاعی، جمهوری اسلامی ایران.

^۱ استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

^۲ استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

^۳ عضو هیأت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، دانشجوی دکترای دانشگاه عالی دفاع

ملی، dr.rshahgholian@ihu.ac.ir

^۴ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک

مقدمه

جنوب غرب آسیا در سال‌های اخیر درگیر گروه‌های تروریستی شده است و کشورهای منطقه رویکردهایی متفاوت به آن داشته‌اند. ایدئولوژی عربستان در به‌کارگیری تروریسم تکفیری در راهبرد نیابتی سیاست خارجی آمریکا در کشور سوریه نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از فرقه وهابیت، الگوهای رقابتی با ایران دارند که با این اقدام، امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران از طریق نا امن‌سازی و بی‌ثبات کردن محیط پیرامونی جمهوری اسلامی تحت‌الشعاع خود قرار داده است. جرقه بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۱ (۲۰ اسفند ۱۳۸۹) با شعارنویسی چند دانش‌آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد. استاندار درعا و سازمان امنیتی آن استان در اقدام عجولانه نسبت به تنبیه این دانش‌آموزان اقدام کرده و متعاقب این امر به نحوی کاملاً برنامه‌ریزی شده شایعاتی مبنی بر تجاوز به این افراد انتشار یافت. ادامه این ماجرا، تجمع و تظاهرات اهل سنت در مسجد العمری درعا بود که علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند. این واقعه نقطه آغاز بحران سوریه بود، چرا که پس از این حوادث؛ سرویس‌های امنیتی عربستان و اردن با کمک سران برخی از گروه‌ها و سازمان‌های وهابی، شیوخ عشایر و باندهای قاچاق در درعا فعال شده و از رهگذر شعارهایی نظیر «شیعه و علوی در تابوت بمیرد، مسیحی در بیروت» به تحریک مردم پرداختند که از سوی برخی کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی و قطر برنامه‌ریزی شده بود (Robert M. Darnin, cfr, ۲۰۱۲). از این منظر، در طول یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران در همکاری و کمک به سوریه و گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان ائتلاف منطقه‌ای مهمی موسوم به «محور مقاومت» در منطقه را شکل داده که بیش از هر چیز، منافع استکبار جهانی را در معرض تهدید قرار داده است. این ائتلاف ضمنی و نانوشته منطقه‌ای، پتانسیل استراتژیک مهمی برای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی

ایران به ارمغان آورده و باعث گسترش نفوذ و تقویت جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی در مقابله با چالش‌های امنیتی از سوی دولت‌های رقیب و متخاصم شده است. با وقوع تحولات جدید در جهان عرب یا همان بیداری اسلامی که در محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب از آن به عنوان «بهار عربی» نام برده می‌شود، زمینه‌ها و مؤلفه‌هایی در جهت ایجاد خلل در کارکرد محور مقاومت در کشور سوریه قابل شناسایی بوده که مهم‌ترین آن بحران و تلاش بازیگران رقیب از جمله عربستان با حمایت آمریکا برای تفسیر رفتار در این کشور بوده است. عربستان سعودی به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در بحران داخلی سوریه از این قاعده مستثنا نبوده و به نظر می‌رسد این کشور با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ایران دارد، بیش از هر عامل دیگری به دنبال سقوط دولت بشار اسد است؛ تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲).

بیان مسأله:

جنوب غرب آسیا در سال‌های اخیر درگیر گروه‌های تروریستی شده است و کشورهای منطقه رویکردهایی متفاوت به آن داشته‌اند. عربستان سعودی با توجه به استراتژی سیاست خارجی‌اش که بخشی از آن را مهار و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه تشکیل می‌دهد؛ نقش بارزی در تحولات این کشور ایفا نموده است و اقدامات گسترده‌ای از حمایت مالی و معنوی از شورشیان القاعده گرفته تا مشارکت فعال در محور غربی - عربی در جهت متقاعدکردن دیگر کشورها برای حمایت از مخالفان حکومت سوریه و در نهایت تلاش بی‌وقفه برای حمله به این کشور انجام داده است. عربستان در این کشور و به منظور نیل به اهداف یهودی‌ها و تسلط بر جهان اسلام، رابطه تنگاتنگی بین کم‌رنگ کردن جبهه مقاومت در سوریه؛ و در نتیجه اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. آیا دلارهای عربستان به عناصر تکفیری داعش، با هدف تنگ‌ترکردن حلقه جبهه مقاومت در کشور سوریه و همچنین به

فراموشی سپردن مسئله فلسطین در اذهان کشورهای اسلامی تأثیری در محاسبات و پیش‌بینی خودشان داشته است؟ با توجه به این مطالب، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی نقش عربستان در تحولات سوریه و تأثیر آن بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران است.

هدف پژوهش:

بررسی تحولات سوریه متأثر از نقش عربستان و تأثیرسنجی آن بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران.

پرسش پژوهش:

نقش عربستان در تحولات سوریه چه تأثیری بر امنیت دفاعی کشور ایران دارد؟

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی:

- **تعریف امنیت**^۵: کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر است. به عبارت دیگر، امنیت عبارتند از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت: در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به‌صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده

^۲ Security

می‌شود (آشوری، ۱۳۹۰: ۳۸). امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. واژه امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هرچه بیشتر کارآیی پیدا کند (Leffler, ۱۹۸۴: ۸۹).

- ابعاد امنیت ملی:

نسبی بودن امنیت

نسبی بودن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی است. به این معنا که برای هیچ کشوری امنیت ملی به طور مطلق و کامل وجود ندارد. چون هیچ کشوری در خلأ عمل نمی‌کند و تا زمانی که کشورهای دیگر وجود دارند، همواره تهدیدهای بالقوه و بالفعل آن کشور را تهدید می‌کند. در این رابطه، نکته مهم و اساسی این است که هر کشور به جای اینکه در پی امنیت باشد، باید حدود قابل قبول تهدید و خطر را مشخص کرده و یقین کند تا چه اندازه تهدید را می‌پذیرد (عامری، ۱۳۷۰: ۱۸۳).

معانی مختلف امنیت

در مباحث مختلف امنیت باید اذعان داشت که در تبیین مفهوم امنیت ملی، با توجه به اینکه ارزش‌های هر ملتی در رژیم‌های مختلف سیاسی متفاوت است؛ اما این ارزش‌ها نقش اساسی دارند. بنابراین دیدگاه‌های گوناگون موجب می‌شود تا مفهوم امنیت ملی در نظام‌های موجود با ایدئولوژی‌های مختلف با هم تفاوت داشته باشند (صفوی، ۱۳۷۵: ۱۳).

ذهنی بودن امنیت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی این است که مردم و تصمیم‌گیرندگان یک نظام حکومتی ابتدا احساس امنیت بکنند که هیچ خطری ارزش‌های اساسی و حیاتی

آن‌ها را تهدید نمی‌کند؛ بنابراین امنیت یک ویژگی روانی است. ذهنی‌بودن احساس امنیت و نبودن معیارهای دقیق برای ارزیابی درست آن موجب می‌شود که گاهی دولتمردان از احساس ترس مردم بهره‌برداری کنند و با بزرگ جلوه‌دادن خطری که گویا امنیت ملی را تهدید می‌کند، نظر مردم را از کمبودها و نارسایی‌ها سیاست داخلی به سوی مشکلات خارجی جلب کنند. برعکس ممکن است دولتی برای معطوف‌ساختن توجه مردم نسبت به بعضی از اولویت‌ها، تهدید خارجی را کم‌اهمیت جلوه دهد.

هدف نبودن امنیت

هرچند امنیت ملی رابطه مستقیم با اهداف ملی دارد، اما امنیت به تنهایی هدف نیست؛ بلکه شرایطی است که هدف‌ها در آن تحقق می‌یابند. به سخن دیگر، امنیت بستر تحقق ارزش‌ها و اهداف است و یک نظام حکومتی حاضر است برای حفاظت از امنیت ملی همه منابع خود را تخصیص دهد. منظور از تخصیص منابع برای تأمین امنیت این است که اگر یک کشور درگیر جنگی شود، آن کشور حاضر است تا کل منابع انسانی و مالی خود را برای رفع آن خطر متمرکز کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۵).

اهداف امنیت ملی:

می‌توان اهداف امنیت ملی را به این طریق دسته‌بندی کرد:

الف) حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛

ب) تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور؛

ج) حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی؛

د) فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی (روشندل، ۱۳۷۴:

۱۸).

تقسیم‌بندی امنیت ملی:

تقسیم‌بندی‌هایی که از امنیت ملی شده، زیاد است. غالب این دسته‌بندی‌ها حاوی عناصر مشترکی هستند که کم‌وبیش به شاخص‌های زیربنایی هدف‌های امنیت ملی

اشاره دارد. با جداکردن این عناصر مشترک و مهم می‌توان اهداف امنیت ملی را به این طریق دسته‌بندی کرد:

الف) امنیت منطقه‌ای:

امنیت منطقه‌ای از جمله سطوح مباحث امنیتی است که پس از فروپاشی ابر قدرت شرق مطرح شده و پدیده «جهانی‌شدن» به‌ویژه در بین کشورهای جنوب دارای اهمیت قابل توجهی است. نظر به اینکه ماهیت امنیت منطقه‌ای در همکاری نهفته است و دولت‌ها به این سطح به مثابه شیوه‌ای مؤثر در برقراری و تداوم امنیت می‌نگرند، بنابراین موضوع امنیت منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت است. به دنبال شکل‌گیری چنین رویکردی، برخی دولت‌ها به‌عنوان قدرت منطقه‌ای مطرح شدند. قدرت منطقه‌ای، بازیگری است که بر پایه توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود، دارای نفوذ و اثرگذاری مؤثری در سطح منطقه است (عسکری، مینایی، ۱۳۹۳: ۷).

ب) امنیت نظامی:

جامع‌ترین تعریف امنیت نظامی عبارت است از: میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدات قهرآمیز (ماندل، ۱۳۷۹: ۸۷). امنیت نظامی به مفهوم آن است که کشور از خطر تهدیدهای نظامی در امان باشد. بدیهی است یک جامعه در شرایطی می‌تواند امنیت نظامی داشته باشد که علاوه بر داشتن قابلیت‌های اقتصادی، علمی، تکنولوژیک، انسانی، عمق استراتژیک و رهبری قوی، نیروهای مسلح آن جامعه نیز از توان رزمی نسبی برتر برای پاسخ‌گویی به تهدیدهای بالقوه و بالفعل نظامی موجود علیه کشور برخوردار باشند (تهامی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۱۹).

روند تحولات در کشورهای اسلامی:

بررسی تحولات کشورهای اسلامی از جمله افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، یمن، عربستان، اردن، فلسطین، مصر، تونس، لیبی، سودان، مالی، نیجر، نیجریه،

سومالی و ... نشان می‌دهد که غربی‌ها برآند تا طرح تجزیه و کوچک‌سازی کشورهای اسلامی را اجرایی سازند؛ در کنار آن نیز نسل‌کشی مسلمانان را اجرا کنند. روند تحولات چنان بوده است که برخی تأکید دارند غربی‌ها به دنبال تکرار جنگ‌های صلیبی با ابزارها و اشکال جدید هستند تا اهداف ضد اسلامی و جاه‌طلبانه خود را اجرایی نمایند. این سیاست که با وضع قوانین ضد اسلامی و ترویج افراط‌گرایی در داخل جوامع غربی صورت گرفته، لشکرکشی نظامی و نسل‌کشی سراسری در کشورهای اسلامی را در بر می‌گیرد (عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۲).

بازیگران آشوب‌ساز در منطقه:

منطقه غرب آسیا یکی از مناطق مهم در آسیاست که از نظر ژئوپلیتیکی، برخورداری از منابع طبیعی و ... مورد توجه بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است. از زمانی که غربی‌ها به ارزش ژئوپلیتیک غرب آسیا پی بردند و نام خاورمیانه را بر آن نهادند؛ این منطقه شاهد جنگ‌ها، ائتلاف‌ها، رقابت‌ها و رفاقت‌های متعددی بوده است. بازیگران آشوب‌ساز در منطقه غرب آسیا؛ ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس و عربستان سعودی هستند.

الف) عربستان سعودی:

اختلاف‌افکنی و ترویج درگیری فرقه‌ای- مذهبی در جهان اسلام، به ویژه منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، همواره جزو انگیزه‌های مهم قدرت‌های بزرگ و به تبع آن حکام سرسپرده آن‌ها بوده است. در این میان، وهابیون و آل سعود با ادعای رهبری جامعه اهل سنت از هیچ تلاشی برای ایجاد درگیری فرقه‌ای- مذهبی و پرنسب شدن تمایزات طایفه‌ای بر مبنای جدایی خطوط شیعی- سنی فروگذار نکرده‌اند؛ به گونه‌ای که خط تقابل با انقلاب اسلامی، محور مقاومت و تلاش جمهوری اسلامی در منطقه جزو اولویت‌های اساسی آن‌هاست که در هماهنگی با مطامع و خواست رژیم

صهیونیستی و دولت مردان آمریکایی قرار دارد. مقامات رسمی عربستان اذعان می‌دارند هدف اصلی در سیاست خارجی عربستان، مبارزه با تهدید ایران و جلوگیری از تسلط این کشور بر منطقه است (کریمی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

رژیم صهیونیستی و عربستان خواسته‌های متقابلی از یکدیگر دارند. انتظارات رژیم صهیونیستی از عربستان شامل سه موضوع است: اول، امنیت؛ به گونه‌ای که عربستان سیاست خارجی خود را به گونه‌ای پیش ببرد که امنیت جامه رژیم صهیونیستی تأمین شود که این موضوع شامل برخورد با کشورها و گروه‌هایی است که مخالف رژیم صهیونیستی هستند. دوم، جنبه مالی و پولی؛ عربستان از درآمد نفتی سرشار و ذخایر ارزی فراوان برخوردار است. مقامات رژیم صهیونیستی هم چشم طمع به این منابع عظیم دوخته‌اند و به بهانه‌هایی از جمله حمایت از ریاض در مطبوعات بین‌المللی و همچنین برقراری لابی گسترده در جهت تحکیم موقعیت عربستان، از مقامات سعودی پول‌های کلانی اخذ می‌کنند. سوم، تلاش برای برقراری روابط آشکار میان تل‌آویو با ریاض. انتظارات عربستان از رژیم صهیونیستی در یک عنوان خلاصه شده است: حمایت از موقعیت منطقه‌ای رژیم سعودی در مصاف با رقبا و همچنین تحکیم ثبات در داخل عربستان به گونه‌ای که خاندان حاکم در رأس قدرت مانند گذشته برقرار باشند (قنادباشی، ۱۳۹۶).

ب) نقش غرب در خاورمیانه:

منطقه غرب آسیا در سال‌های گذشته درگیر تحولات بیداری اسلامی شد که به مرور با اتخاذ سیاست‌های جریان مرتجع عربی به فتنه قومی و مذهبی بدل گردید. یکی از پیش‌دستی‌های غرب در مواجهه با بیداری اسلامی؛ ایجاد اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی و ... بود که به خوبی از آن استفاده شد. هم اینک رویکرد کلان در قالب ایجاد تقابل‌های متعدد در منطقه غرب آسیا دنبال می‌شود. تقابل عرب-عجم، شیعه-سنی، سکولار-اسلام‌گرا، سلفی-رافضی و ... باعث شده است منطقه به گردابی از نیروهای

در حال رقابت تبدیل شود. در این میان نیروهای فراملی واقعیت حقیقی این منطقه شده‌اند؛ به ویژه داعش که با از میان برداشتن مرز سوریه و عراق، مؤلفه اصلی خلافت را به وجود آورد؛ اما بی‌تردید آمریکا همچون جنگ شوروی در افغانستان و ظهور القاعده، این بار در عراق و سوریه زمینه ظهور داعش را فراهم کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت بازیگران آشوب‌ساز (رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، انگلیس و ...) تمام هدفشان تأمین امنیت رژیم صهیونیستی به عنوان غده سرطانی جهان اسلام، ایجاد رقابت تسلیحاتی میان کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه برای تضعیف جهان اسلام، حمایت از گروه‌های افراطی تروریستی، حمایت از رژیم‌های سیاسی مرتجع و مستبد، جنگ‌طلبی و مداخله در امور داخلی کشورها است (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷: ۵۴).

رقابت نظامی و تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا

رقابت تسلیحاتی یکی از معضلات منطقه غرب آسیا است که زمینه بالقوه‌ای برای ایجاد تنش‌ها است. مطابق برآوردها، غرب آسیا بزرگ‌ترین بازار تسلیحاتی دنیا است و از سال ۲۰۱۲ به بعد رشد ۱۰ درصدی در خرید تسلیحات داشته است. عربستان، قطر، امارات متحده عربی و ترکیه بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات و ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین فروشنده آن است. عربستان بودجه‌ای نزدیک به ۶۴ میلیارد دلار به این امر اختصاص داده است؛ و به عنوان چهارمین کشور در این حوزه محسوب می‌شود. سلاح‌های غیرمتعارف عمدتاً در دست رژیم صهیونیستی است و این رژیم ۷۵ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد که منبع عمده نگرانی‌ها است؛ زیرا مصر و رژیم صهیونیستی هنوز به کنوانسیون منع سلاح‌های هسته‌ای نپیوسته‌اند و ایده خاورمیانه در خصوص سلاح کشتار جمعی که از دهه ۱۹۷۰ شروع شده، هنوز به هیچ سرانجامی نرسیده است؛ زیرا رژیم صهیونیستی و آمریکا اجازه نداده‌اند چنین منطقه‌ای شکل

بگیرد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶). کاندولیزا رایس، وزیر اسبق امور خارجه آمریکا، مدتی قبل در اظهاراتی تصریح کرد قراردادهای نظامی آمریکا با کشورهای منطقه، امکانی برای مهار و مقابله با نفوذ منفی القاعده، حزب الله لبنان، سوریه و ایران است. در مقطع کنونی نیز ایالات متحده تلاش دارد با ایجاد یک صف بندی تازه و تقویت توان دفاعی و تهاجمی متحدان خود در منطقه جبهه تازه ای را برای تشدید فشارهای منطقه ای علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. به زعم بسیاری از مقامات این کشور، ارسال تسلیحات به کشورهای غرب آسیا پاسخی به ایران است. آمریکا نگران نفوذ ایران در منطقه است و قصد دارد با تقویت همسایگان ایران، مانعی جدی سر راه کشورمان ایجاد کند. ارزیابی استراتژی امنیتی جدید آمریکا در غرب آسیا، حاکی از رویکرد آن کشور مبنی بر تأمین صلح از طریق افزایش جنگ افزار و تلاش برای افزایش فشار به دولت ایران است (خجسته، ۱۳۹۶).

اهداف کشورهای غربی و آمریکا در ارتباط با فروش های جدید تسلیحاتی به کشورهای منطقه را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- مقابله با قدرت یابی و افزایش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سطح حوزه خلیج فارس و منطقه غرب و جنوب غرب آسیا؛
- افزایش وابستگی کشورهای منطقه به واشنگتن به ویژه در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری نظامی؛
- نمایش تعهد آمریکا به حفظ امنیت کشورهای جنوب خلیج فارس با حضور گسترده نظامیان آمریکایی در قالب پایگاه های عظیم هوایی، دریایی، زمینی در این کشورها و آمادگی برای اجرای طرح های مشترک نظامی مانند سپر دفاع موشکی با این کشورها؛

- فروش پیشرفته تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس باعث می شود آمریکا چرخه اقتصادی خود را رونق دهد و از رشد بیکاری در این کشور بکاهد (خجسته، ۱۳۹۶).

حمایت از گروه های افراطی و تروریستی:

یکی دیگر از معضلات منطقه غرب آسیا، وجود گروه های افراطی و تروریستی است. این گروه ها که بعد از تحولات بیداری اسلامی گسترش یافتند، توسط بازیگرانی مانند ایالات متحده آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی ایجاد و حمایت شدند (خانعلی زاده، ۱۳۹۵: ۸۵). هنگامی که گروه تروریستی داعش وارد معادلات بحران سوریه شد، کشورهای غربی - عربی و ترکیه از آن به عنوان بخشی از نیروهای معارض با دولت اسد، حمایت مادی و تسلیحاتی گسترده کردند. در کنار چنین کمک هایی، دستیابی به منابع و پالایشگاه های نفتی و قاچاق نفت، برخورداری از کمک مالی برخی سرمایه داران و کشورهای منطقه و ... بر توانمندی مالی داعش و تقویت خودنمایی آن افزود (علیپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۷). عربستان نیز یکی از حامیان گروه تروریستی داعش در منطقه است. با مشاهده رفتار منطقه ای عربستان، می توان تروریسم تکفیری را ابزار سیاست خارجی این کشور به ویژه در سطح جنوب غرب آسیا در نظر گرفت. برای نمونه، القاعده به عنوان گروه سیاسی ایدئولوژیک شده به ابزار قدرت امنیتی عربستان تبدیل شده است. بهره گیری از القاعده برای تحقق اهداف مذهبی، سیاسی و امنیتی نشان می دهد که عربستان در شرایط موجود نه تنها تمایلی به ایفای نقش تمرکزگرا در غرب آسیا ندارد؛ بلکه تلاش می کند تمایز بین گروه های مذهبی، نژادی و قومی در این منطقه را شدت بخشد. در واقع در اینجا دو موضوع مشخص وجود دارد: نخست اینکه گروه هایی مانند القاعده نقش کارگزاری امنیتی در اجرای اقدامات سازمان دهی شده عربستان را بر عهده دارد؛ دوم، الگوی رفتار

امنیتی جنوب غرب آسیای عربستان در قالب استراتژی توسعه بحران است که از طریق عملیات انتحاری و بمب‌گذاری انجام می‌شود (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۲۳۵).

جمهوری عربی سوریه:

جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع، هشتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود. این کشور در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده و از شمال با ترکیه، از شرق با عراق و از جنوب با رژیم صهیونیستی و اردن، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم‌مرز است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۱). کشور سوریه دارای ۱۴ استان شامل استان دمشق، ریف دمشق، قنیطره، درعا، سویدا، حمص، طرطوس، لاذقیه، حماه، ادلب، حلب، رقه، دیرالزور و حسکه می‌باشد (آقامیری، ۱۳۹۰: ۲).

با آغاز بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، به تدریج ماهیت متفاوت تحولات این کشور با سایر کشورهای عربی پدیدار شد؛ به‌گونه‌ای که تجمعات اعتراضی در اماکن عمومی جای خود را به معارضین مسلح و جنگ‌های چریکی داد. عده‌ای از عناصر ارتش به سرعت از بدنه نیروهای مسلح جدا شدند و اقدام به تشکیل ارتش آزاد سوریه کردند. القاعده نیز نیروهای خود را از سراسر دنیا فراخواند و برای جنگ از مرزهای ترکیه، اردن و لبنان وارد خاک سوریه کرد. به این ترتیب، بحران سوریه به جنگی تمام عیار تبدیل شد. بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی فعال و تأثیرگذار در بحران سوریه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) حامیان نظام سوریه:

این گروه بر حل منازعه سوریه از طریق مسالمت‌آمیز تأکید دارند و خواهان ایجاد اصلاحات اساسی در این کشور بدون هرگونه مداخله خارجی نظامی هستند. روسیه و چین و جمهوری اسلامی ایران جزء گروه هستند.

ب) حامیان مخالفان نظام سوریه:

ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، عربستان سعودی، قطر و رژیم صهیونیستی در این گروه جای می‌گیرند. اگرچه این گروه اهداف و انگیزه‌های مختلفی را دنبال می‌کنند، اما دو هدف مشترک برکناری بشار اسد و مقابله با نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه را پیگیری می‌کنند (اسماعیل پور روشن، ۱۳۹۶: ۲۲۸). سوریه متحد استراتژیک ایران در غرب آسیا و حلقه واسط میان ایران، حزب‌الله و حماس به شمار می‌رود. با آغاز ناآرامی‌های این کشور، عربستان تلاش کرد از این فرصت به‌منظور بهره‌گیری از کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران استفاده کند؛ بنابراین سیاست مداخله در امور داخلی سوریه از طریق پشتیبانی مالی برای تهیه سلاح و قاچاق اسلحه به داخل سوریه و ارائه راهکارهای عملیاتی را در دستور کار قرار داد. در کنار عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز از طریق مالی و نظامی، مخالفان بشار اسد را مورد حمایت قرار دادند. این وضعیت سبب بحرانی‌تر شدن اوضاع سوریه شد. ترکیه نیز برای دستیابی به هدف خود از رویکرد ائتلاف با غرب و عربستان و همچنین نیروهای داخلی مخالف اسد استفاده کرد. رژیم صهیونیستی نیز از حذف اسد منافعی را دنبال می‌کرد. مرز مشترک سوریه با رژیم صهیونیستی باعث شده است که هرگونه تحول در سوریه مستقیماً بر امنیت رژیم صهیونیستی اثرگذار باشد. دیگر اینکه نظام سیاسی سوریه از ابتدا معاهده صلح با رژیم صهیونیستی را امضا نکرده و بدین ترتیب دشمن عربی رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. هرگونه تغییری در نظام سیاسی

سوریه، می‌تواند تهدیدهای رژیم صهیونیستی را کاهش دهد. سوم، به دلیل اتحاد استراتژیک ایران و سوریه و حمایت این دو کشور از محور مقاومت در منطقه، تحول ساختاری در سوریه می‌تواند گفتمان مقاومت را تضعیف کند و موجب افزایش کنشگری رژیم صهیونیستی در منطقه شود (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

به طور کلی، جبهه معارضان و حامیان خارجی آن‌ها در پی تضعیف محور مقاومت در منطقه بودند. محور مقاومت الگویی بود که پس از حملات آمریکا به افغانستان و عراق و در نتیجه نزدیکی بیشتر کشورهای همسو با سیاست‌های ایران در منطقه، به الگوی غالب سیاست خارجی ایران تبدیل شد. به همین دلیل، تضعیف محور مقاومت می‌توانست تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد و در این بین تحولات و بحران سوریه، محور مقاومت و گفتمان ضد امپریالیستی آن را با چالش جدی مواجه می‌کرد. با توجه به آنکه بحران سوریه تحت تأثیر نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یافته است، بنابراین مدیریت این بحران نیز باید توسط چنین نیروهایی انجام می‌پذیرفت (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

احزاب مخالف دولت سوریه:

بعد از سرکوب شورش اخوان المسلمین در سال ۱۹۸۲ م، کشور سوریه دیگر شاهد فعالیت احزاب مخالف نبود و تمامی فعالیت‌های سیاسی توسط احزاب جبهه ملی ترقی‌خواه انجام می‌شد. با به قدرت رسیدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ م، احزاب مخالف دولت در داخل و خارج کشور شروع به رشد نموده و حتی بعضی از احزاب با ۱۰ عضو اعلام موجودیت نمودند؛ که در زیر به معرفی چند حزب مخالف سوریه می‌پردازیم (علیزاده طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

الف) سلفیون: این گروه از سوی سعودی‌ها حمایت می‌شوند.

ب) اخوانی‌ها: این گروه مهم‌ترین گروه سیاسی معترض سوریه قلمداد می‌شود

که از سوی ترکیه حمایت می‌شود.

ج) سکولارها و لیبرالیست‌ها: این جریان از گروه‌های غرب‌گرایان تشکیل شده (به صورت مشخص فرانسه)، بنابراین فاقد پایگاه اجتماعی بوده و صرفاً در میان برخی از روشنفکران دارای حامیانی می‌باشند.

د) تجمع یکپارچه قومی: این تجمع از سوی رفعت عموی بشار اسد که در خارج از سوریه زندگی می‌نماید در سال ۲۰۰۵ میلادی تأسیس گردید.

ه) حزب اصلاح: رهبری این حزب بر عهده فرید الغادری است و با آمریکا و رژیم صهیونیستی رابطه نزدیکی دارد. این حزب به شدت با خط اخوان‌المسلمین مخالف و اخوان‌المسلمین را به خشونت و تلاش جهت اجبار نمودن مردم به پذیرش عقایدش متهم می‌سازد.

گروه ستیزه جوی خارجی در سوریه:

الف) جبهه النصره:

جبهه النصره به سرکردگی «ابومحمد الجولانی» اواسط سال ۲۰۱۱ م. با کمک گروه تروریستی داعش تأسیس و تقویت شد. بعدها ضمن استقلال از گروه داعش، از سوی «ایمن الظواهری» به عنوان شاخه اصلی القاعده در سوریه انتخاب شد و همین موضوع، اختلاف النصره و داعش را در پی داشته است. تعداد نیروهای این گروه پنج الی هفت هزار نفر است که در تمام ۱۱ استان از ۱۴ استان سوریه فعالیت دارند. این گروه تروریستی مسئول بسیاری از عملیات‌های انتحاری و انفجار خودروهای بمب‌گذاری شده در مناطق سوریه است. ربایش، ترور و محاصره شیعیان روستاهای نبل والزهره در استان حلب از دیگر اقدامات این گروه تروریستی است. طبق آخرین آمارها، اتباع ۴۸ کشور از جمله عربستان، افغانستان، پاکستان، انگلیس، فرانسه، استرالیا و ... در این گروه تروریستی عضویت دارند. در اواخر سال ۲۰۱۳ م. به علت گسترش نفوذ جبهه‌النصره به مناطق مرزی سوریه و ترکیه و همچنین پیوستن دیگر گروه‌های مسلح به این جبهه،

برخی مقامات دولت آمریکا مجبور به مذاکره با سرکردگان جبهه‌النصره برای پیشبرد طرح خود برای تضعیف دولت سوریه شدند (بشارتی، ۱۳۹۵).

ب) گروه تروریستی «دولت اسلامی در عراق و شام»:

سرکرده گروه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام، «ابوبکر البغدادی» است. این گروه که هسته مرکزی آن از تروریست‌های عراقی مستقر در منطقه الانبار عراق به نام «دولت اسلامی عراق» تشکیل شده است، در سال ۲۰۱۲ با هدف ائتلاف با «جبهه النصره» تشکیل شد؛ اما پس از اختلاف با آن به صورت مستقل، گروهی را در سوریه با نام «دولت اسلامی در عراق و شام» یا «داعش» تشکیل داد و سعی در گسترش آن در تمام نقاط سوریه دارد و دارای ارتباط قوی با عشایر حامی خود در خاک عراق و به طور دقیق‌تر در استان «الانبار»، در مناطق مشترک سوریه و عراق مانند ادلب، دیرالزور و الرقه است. این گروه کنترل کامل شهر مرزی الرقه در مرز با سوریه و ترکیه را در اختیار داشته و به ادعای خود «دولت اسلامی» در آن تأسیس کرده است. فتوایهای تکفیری از سوی سرکرده‌های این گروه روزانه باعث قتل ده‌ها نفر در استان الرقه و حومه استان حلب می‌شود. در سال ۲۰۱۳ م؛ و در پی حمله این گروه به مواضع گردان «احرار شام» و گردان «طوفان شمال» در منطقه مرزی «باب الهوی» در مرز ترکیه، درگیری داخلی میان گروه‌های مسلح سوری آغاز شد که در یک سوی آن گروه‌های «احفاد الرسول»، «طوفان شمال»، «احرار الشام»، «ارتش آزاد» و «جبهه النصره» و در سوی دیگر، «دولت اسلامی در عراق و شام» و گروه تروریستی «انصار و المهاجرین» شرکت داشتند. گروه تروریستی داعش هدف اصلی خود را مبارزه با شیعیان، علویان و مسیحیان در سوریه معرفی کرده و خواستار تشکیل امارت اسلامی با اندیشه سلفی در سوریه است (بشارتی، ۱۳۹۵).

نقش عربستان در تحولات سوریه:

الف) تمرکز بر حمایت از گروه‌های افراطی:

گروه‌های تکفیری با بهره‌برداری نادرست از دین تلاش می‌کنند خشونت را در جهان اسلام امری طبیعی نشان دهند و با عملکرد خشونت‌طلبانه نسبت به سایر گروه‌های اسلامی، موجب تفرقه و شعله‌ور شدن آتش نزاع بین مسلمانان شوند. مهم‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ در خصوص جریان تکفیری، استفاده از ظرفیت آن‌ها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی خودشان بوده است (عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۹). دولت‌های آمریکا و غرب و برخی از رژیم‌های دیکتاتور منطقه غرب آسیا تلاش می‌کنند انقلاب‌های منطقه را از مسیر خود منحرف کنند. در مجموع، حمایت غرب و کشورهای آشوب‌ساز از کشورهای مستبد موجب دامن‌زدن به فرآیند آشوب در منطقه شده است. از نتایج این حمایت می‌توان به گسترش تروریسم در منطقه و جنگ عربستان علیه یمن اشاره کرد. انگلیس در سال اول حمله عربستان به یمن، حدود ۵ میلیارد دلار سلاح به ریاض فروخت. صادرات سلاح به عربستان همچنان از سوی انگلیس و برخی دیگر از کشورهای غربی ادامه دارد. در واقع، دولت‌های غربی شریک جرم عربستان در تمامی جنایت‌هایی هستند که این کشور به صورت مستقیم در یمن و با حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی به صورت غیر مستقیم در سوریه و عراق و سایر کشورها مرتکب می‌شود. با حمایت کشورهای غربی، عضویت عربستان در شورای حقوق بشر تمدید شد تا این کشور مصون از تشکیل پرونده جنایت‌کار جنگی باشد. هرگونه تحقیقی در این زمینه، دولت‌های حامی عربستان را نیز رسوا خواهد کرد. عربستان دست‌نشانده دولت‌های غربی در منطقه برای پیاده‌کردن سیاست‌های آن‌ها و آماده برای بحران‌آفرینی در کشورهای اسلامی و اختلاف میان مذاهب مختلف اسلامی است. اگر حکومت عربستان

مردمی بود، امکان نداشت دولت‌های غربی بتوانند برای پیاده‌کردن سیاست‌های خود این کشور را تحت هدایت خود در آورند. منافع کشورهای غربی در گرو وجود کشورهای مستبد در منطقه است؛ بر همین اساس آن‌ها نسبت به تحولات منطقه (بیداری اسلامی) واکنش نشان دادند و شروع به پروراندن نیروهای تکفیری در منطقه کردند تا مانع شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی شوند (عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۲).

اقدامات تروریستی بین کشورهای جنوب غرب آسیا به شکل مذهبی با اهدافی مانند شکاف‌های قومی و فرقه‌ای، محرومیت‌ها و انسدادهای سیاسی منطقه‌ای صورت گرفته است. از طریق جنگ نیابتی آمریکا توسط عربستان برای گسترش نفوذ و حمایت از گروه‌های سیاسی خاص در کشورهای درگیر از جمله سوریه، هر یک از کشورهای منطقه براساس تهدید و فرصت‌های منبعث از این موضوع، رویکردهای متفاوتی در قبال آن اتخاذ کرده‌اند. در عین حال به نظر می‌رسد آن‌گونه که گسترش تروریسم در کشورهای درگیر، ریشه‌های چندگانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد؛ رویکرد سایر کشورهای منطقه به این موضوع نیز از همین سطوح چندگانه تأثیر می‌گیرد. عربستان سعودی با توجه به استراتژی سیاست خارجی‌اش که بخشی از آن را مهار و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه تشکیل می‌دهد، نقش بارزی در تحولات این کشور ایفا نموده است و اقدامات گسترده‌ای، از حمایت مالی و معنوی از شورشیان القاعده گرفته تا مشارکت فعال در محور غربی - عربی در جهت متقاعدکردن دیگر کشورها برای حمایت از مخالفان حکومت سوریه و در نهایت تلاش بی‌وقفه برای حمله به این کشور انجام داده است. اگرچه دولت عربستان در ایجاد بسیج بین‌المللی برای مداخله در سوریه موفق نبود؛ اما توانست از این طریق ضمن تأمین مالی و تسلیحاتی شورشیان این کشور، به تضعیف دولت بشار اسد کمک کند. در کنار این فشارها که از جانب عربستان صورت می‌گرفت، اتحادیه عرب در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۱ در اقدامی هماهنگ، دولت سوریه را توسط ۱۹ کشور عرب، مورد تحریم مالی و بانکی قرار داد

که ارزش پول سوریه را تا میزان زیادی کاهش داد. سوریه از اولین کشورهای بود که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، دولت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و نیز از معدود کشورهای عربی‌ای بود که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رژیم صدام حمایت نکرد؛ به عبارت دیگر، از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، دولت سوریه همواره روابط نزدیک و همکاری جویانه‌ای با ایران داشته است. بعد دیگر اهمیت سوریه برای ایران، اتخاذ سیاست مقابله‌جویانه این کشور در برابر رژیم اسرائیل است که از لحاظ راهبردی، دولت سوریه را در کنار ایران، حزب‌الله و حماس جزئی از محور مقاومت قرار داده است. سوریه متحد استراتژیک ایران در منطقه در طول ۳۴ سال گذشته بوده است. مقامات ایرانی رسماً اعلام کرده‌اند تنها از طریق فرآیند سیاسی می‌توان بحران سوریه را حل و فصل کرد (حمایتیان، ۱۳۹۲، ۸۲).

ب) اقدامات عربستان در برابر اقلیت شیعه:

از دلایل ترس عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس از ایران، وجود اقلیت شیعی در این کشورها و تأثیرگذاری ایران بر آنها است. عربستان با تهاجم به بحرین و یمن، حمایت‌های لجستیکی، ملی و تسلیحاتی از مخالفان بشار اسد در سوریه، قلمداد کردن جنبش حزب‌الله لبنان به عنوان یک گروه تروریستی، مخالفت با نفوذ سیاسی ایران در لبنان، مخالفت با توافق هسته‌ای ایران، همسویی با رژیم صهیونیستی و ضربه‌زدن به منافع ایران در غرب آسیا تلاش دارد توازن قدرت در غرب آسیا را به نفع خود دگرگون کند؛ بنابراین نخبگان سیاسی عربستان با همکاری ایالات متحده آمریکا و ائتلاف با رژیم صهیونیستی علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌کنند (عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۶۶). الگوی رفتاری عربستان نشان می‌دهد که دولت آن کشور نمی‌خواهد اجازه دهد تحول قدرت منطقه‌ای ایران ادامه پیدا کند؛ بنابراین از الگوی تهاجمی استفاده می‌کند. عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به ویژه میان

شیعیان است و تلاش می‌کند نقش و نفوذ ایران را کاهش دهد در واقع، مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایگانش یعنی بحرین و یمن از مهم‌ترین اهداف عربستان در منطقه است. عربستان در سال‌های گذشته در چارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای به شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آنچه (هلال شیعی) می‌نامد، نگران بوده و تلاش کرده است این نفوذ را مهار کند (علی نجات و همکاران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۲۳).

ج) اقدامات سیاسی و امنیتی عربستان:

بررسی واکنش‌ها و سیاست‌های عربستان سعودی از ابتدای تأسیس در برابر تحولات محیط پیرامونی، نشان از وجود نوعی امنیت‌محوری و محوریت حفظ موجودیت کشور در سیاست خارجی دارد. عربستان از ابتدای تشکیل در اوایل قرن بیستم، تهدیدهای مختلفی مانند پان عربیسم موجود در سیاست‌های دولت پادشاهی عراق قبل از سال ۱۹۵۸ و بعد از آن در قالب حزب بعث صدامی، امواج گسترده ناسیونالیسم عربی در سوریه و مصر و تهدیدهای مقطعی اقلیت شیعه را از سر گذرانده است. این تهدیدها موجودیت و بقای عربستان را هدف گرفته بودند؛ بنابراین مقابله با آن‌ها که مستقیماً موجب ایستایی و سکون سیاست خارجی منطقه‌ای این کشور شده بودند، ضروری می‌نمود. از ابتدای قرن حاضر نیز گسترش و رشد سیاسی شیعیان با عنوان گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و در سال‌های اخیر، خطر گسترش تحولات بهار عربی به عرصه‌های داخلی، اولویت امنیتی سیاست خارجی عربستان را افزایش داده است؛ با این تفاوت که به‌رغم پابرجا بودن سیاست واقع‌گرایانه این کشور در مقابله با تهدیدهای موجودیتی، این موضوعات موجب ایجاد نوعی تحرک و پویایی در سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان شده است. به عبارتی در این برهه، سیاست خارجی عربستان با دوری از سکون و ایستایی قبلی، در قبال موضوعات منطقه واکنش نشان

داده است. در چارچوب این سیاست خارجی تهاجمی، عربستان با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف که تروریسم تکفیری نیز جزء آن‌ها است، سعی در مدیریت و انتقال نیافتن تحولات به داخل دارد. بر این اساس، سیاست‌ها و راهبردهای عملیاتی عربستان سعودی در جهت حمایت از ایجاد، گسترش و بهره‌گیری از گروه‌های تندرو به ویژه در محیط منطقه‌ای، نشان‌دهنده تفاوت اهداف اعلامی و سیاست‌های اعمالی در سیاست خارجی این کشور است. حمایت از این گروه‌ها در قالب کلی تروریسم تکفیری علاوه بر اینکه نوعی واکنش عربستان برای مدیریت تحولات منطقه‌ای محسوب می‌شود، نشان از امنیت‌محوری سیاست خارجی منطقه‌ای این کشور در سطح استراتژیک و همچنین محوریت استفاده از گروه‌ها و اقوام همگرا در کشورهای منطقه در سطح تاکتیکی دارد (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۳: ۲۳۴)؛ به عبارت دیگر، امنیت خارجی عربستان از امنیت داخلی آن تأثیر می‌گیرد، زیرا مشروعیت و ثبات داخلی همانند سایر کشورهای جنوب، مهم‌ترین چالش این کشور است. حکومت سعودی همواره با این چالش در سیاست خارجی روبرو بوده است که چگونه بین منافع داخلی، نیازهای امنیتی خود و استراتژی‌های جهانی توازن برقرار کند. با تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا پس از سقوط صدام و به ویژه پس از قیام‌های عربی، عربستان سعی داشت فرایندهای سیاسی کشورهای در حال انقلاب و به دنبال آن محیط امنیتی منطقه را در راستای منافع خود مدیریت کند؛ زیرا تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عربستان بیش از آنکه براساس ارزیابی توانایی‌های استراتژیک رقیبان منطقه باشد، مبتنی بر نگرانی‌هایی است که مشروعیت خاندان سعودی را به چالش می‌کشد؛ اما عربستان در سوریه با حمایت از مخالفان اسد موجب ظهور داعش شد که خود چالشی دیگر برای عربستان و منطقه ایجاد کرد. نتیجه اقدامات، روی آوردن به

ایران هراسی بود تا تشکیل نیروی نظامی مشترک اعراب به رهبری خود را توجیه کنند (همیانی: ۷۲).

د) اهداف سیاست خارجی عربستان:

- موازنه‌ی منطقه‌ای: این هدف با ایجاد رابطه با کشورهای عضو پیمان ناتو و کشورهایی که در مدار آن‌ها قرار دارند، ارتباط ویژه‌ای دارد؛ تا از این طریق از هرگونه آشوب و ناآرامی و یا افکار انقلابی در منطقه و سرایت آن به داخل عربستان سعودی و دیگر کشورهای محافظه‌کار منطقه جلوگیری نماید.

- تأکید بر رهبری جهان اسلام: ظهور اسلام در این مکان جغرافیایی و وجود حرمین شریفین جایگاه برتری را در بین کشورهای اسلامی به این کشور اعطا کرده است که همواره به‌عنوان مهم‌ترین قطب جهان اسلام شمرده می‌شود. از این رو عربستان کشوری تأثیرگذار، مهم و تعیین‌کننده در تحولات منطقه خاورمیانه است.

- مخالفت و مبارزه با کانون‌های انقلابی در منطقه: خاندان آل سعود معتقدند که هر تحرکی در جهان اسلام اتفاق بیافتد؛ با وجود مراسم سالانه حج و جمع‌شدن حدود دو میلیون زائر در عربستان سعودی با توجه به ساختار سیاسی بسته این کشور، در هر صورت تأثیر عمده‌ای بر اوضاع داخلی این کشور خواهد گذاشت.

- ترویج آیین وهابیت: یکی دیگر از اهداف مهم عربستان سعودی در سیاست خارجی، ترویج آیین وهابیت است تا از این طریق حوزه نفوذ خود را گسترش داده و رهبری جهان اسلام و برتری خود را در منطقه تحقق بخشد (<http://peace-ips.org/fa/category/articles>).

جمهوری اسلامی ایران:

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این باور به وجود آمده بود که ساخت قدرت و سیاست در ایران به دلیل ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی و همچنین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خصوص دفاع از مسلمانان و نهضت‌های

آزادی بخش از یک سو و ماهیت و ویژگی های ساخت قدرت و سیاست در منطقه از سوی دیگر؛ به نحوی است که هرگونه مدیریت و کنترل قدرت های فرا منطقه ای را ناممکن سازد. با این حال نوع مدیریت ایران در بحران های منطقه ای و اقتدار ناشی از آن که در شکل گیری جبهه مقاومت تبلور یافته، نشان داد که ایران از موقعیت و فرصت کنترل قدرت های فرا منطقه ای و حتی ائتلاف سازی با آن ها بهره مند است و در صورت لزوم می تواند از چنین رویکردی در سیاست خارجی خود استفاده کند. نمونه مهم ائتلاف سازی ایران در بحران های منطقه ای در بحران سوریه مشاهده می شود، طی آن توافق ایران و روسیه موجب تحولی شگرف در سطح منطقه شد و حتی پیامدهای جهانی نیز داشت (شعیب بهمن، سمینار هویت های نوظهور و امنیت منطقه ای در غرب آسیا، ۱۳ آذر ۱۳۹۶). امروز نظام جمهوری اسلامی، یک کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر می گذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

نظم مطلوب کشور ایران در منطقه و نظام بین الملل:

نظم مطلوب ایران در منطقه و نظام بین الملل را می توان به چهار محور مهم شکل دهی به نظام عادلانه، ایجاد صلح فراگیر، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و برداشت از جهان اسلام به عنوان یک مجموعه یکپارچه خلاصه کرد.

شکل دهی به نظام عادلانه:

عدالت و عدالت طلبی یکی از وظایف و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی است؛ به گونه ای که حکومت اسلامی موظف است در سیاست خارجی خود، هم با عدالت با سایر دولت ها رفتار و هم در جهت عدالت گستری در سطح بین المللی اقدام کند. بر این اساس، می توان گفت نظامی که نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه و

جهان به دنبال آن است مبتنی بر استکبارستیزی و استقلال همه کشورها از بند ظلم و ستم و فراخواندن تمام ملت‌ها به بهترین آموزه‌های اسلامی و انسانی است که در آن قوی بر ضعیف سیطره ندارد و هر کشوری با اتکا به خود می‌تواند سهمی از آزادی و رفاه را برای مردمان خود به ارمغان آورد. براساس این دیدگاه، نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به سابقه استکبارستیزی خود، تمام کشورهای منطقه و جهان را که در چنگال ظلم و استکبار اسیرند، به محور مقاومت فرا می‌خواند تا خود را از بزرگ‌ترین ظالمان جهان که همانا آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند برهانند و به اجرای نظم عادلانه یاری رسانند (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

ایجاد صلح فراگیر:

صلح فراگیر و پایدار، نقطه مقابل صلح «جزئی» است که می‌توان آن را صلح ناپایدار و مبتنی بر ستم توصیف کرد که نمی‌کوشد از راه بازسازی ساختار روابط، عدالت را برقرار سازد؛ بلکه صرفاً بازتاب موازنه قوا در عرصه نبرد است و لذا یکی از دو طرف به ناچار، نه از روی میل باطنی آن را می‌پذیرد و در عین حال، در انتظار فرصتی است تا موازنه قوا را تغییر دهد؛ اما صلح فراگیر و پایدار، یک صلح دائمی و همه جانبه است که همه قضایا را در نظر می‌گیرد و هدفش این است که در ساختار روابط میان دو طرف، تغییری واقعی به وجود آورد تا عوامل تنش میان آن دو از بین برود و عدالت برقرار شود و دو طرف، مصلحت خود را در آن بدانند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صلح تحمیلی و غیرعادلانه را مذموم و بی‌خاصیت خوانده و عدالت را اساس پایداری صلح دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «امروز دنیا مثل همیشه به آرامش و صلح و امنیت احتیاج دارد. یکی از نیازهای اساسی بشر، صلح است. البته ما همواره گفته‌ایم که صلح باید با عدالت همراه باشد. برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است. بشر به امنیت و صلح احتیاج دارد. هر کس این را تهدید کند، بشریت را

تهدید کرده است. امروز کسانی که صلح را تهدید می کنند، بشریت را تهدید می کنند» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۸۰/۰۷/۲۳).

عدم مداخله در امور داخلی کشورها:

مداخله دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر، پدیده جدیدی در روابط بین‌المللی نیست و جامعه جهانی شاهد منازعات بسیاری در این زمینه بوده است. عدم مداخله در امور داخلی دیگران یک اصل پذیرفته شده بین‌المللی است. عدم مداخله به این معنی است که یک کشور نباید در امور داخلی یا خارجی کشور دیگری مداخله کند. در کنار این کشورها، عربستان سعودی به بزرگ‌ترین مداخله‌گر منطقه تبدیل شده است. حمله به یمن بزرگ‌ترین دخالت عربستان سعودی در امور کشور دیگری است. استکبار با راه انداختن پروژه «ایران‌هراسی» زمینه دخالت در کشورها را فراهم می‌کند؛ در حالی که ایران به دنبال سیطره بر منطقه نیست، بلکه هدفش نابودی تروریسم و ایجاد صلح در منطقه است و برای تحقق این گفتمان، طی سال‌های اخیر تلاش فراوان کرده و هزینه‌های بسیاری را متحمل شده است. اگر امروز سوریه و عراق از استقلال برخوردارند و در مسیر دستیابی به تمامیت ارضی خود به سرعت پیش رفته‌اند، نتیجه همین دکتورین جمهوری اسلامی ایران بوده است (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

جهان اسلام به عنوان مجموعه‌ای یکپارچه:

آنچه ملتی را از ملل دیگر و جامعه را از جوامع دیگر ممتاز می‌کند و موجب برتری آن بر ملل دیگر می‌شود «اتحاد و انسجام و همبستگی» است. مقام معظم رهبری در راستای وحدت جهان اسلام، مهم‌ترین وظایف امت اسلام درباره مسائل جهان اسلام را موارد زیر می‌داند:

- شناخت دشمن و مقابله با نقشه‌ها و شیوه‌های او؛
- مجاهدت برای بی اثر کردن ضربه‌ها و خدعه‌ها و دشمنی‌های دشمن؛

- اتحاد و برادری مسلمانان زیر لوای توحید؛
- شناخت صحیح اسلام ناب و کوشش در جهت وظایف برآمده از آن؛
- پشتیبانی واقعی و جدی از فلسطین؛» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی درباره مهم‌ترین وظایف امت اسلام پس از حوادث بیداری اسلامی، ۱۳۹۴/۰۷/۰۱).

شاخص‌های فکری و شناختی ایران از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی:

شاخص‌های فکری و شناختی ایران از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت‌اند از:

- مقابله با سیاست‌های استکباری آمریکا
 - آزادی قدس
 - امت‌گرایی و پرهیز از تفرقه
 - تأکید بر مقاومت
 - حمایت از نهضت‌های اسلامی و مردمی
 - مبارزه با تروریسم (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷: ۹۹).
 - مقابله با سیاست‌های استکباری (ایالات متحده آمریکا)
- یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فکری شناختی ایران از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، بحث مقابله با سیاست‌های استکباری قدرت‌های بزرگ است که در دوره معاصر در قالب سیاست‌های آمریکا قابل تعریف است. مسأله مقابله با سیاست‌های استکباری، هم ریشه در دیدگاه اسلام نسبت به جهان دارد و هم از جایگاه در خور قابل در آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی «ره» برخوردار است.
- ملت ایران که خود را استکبارستیز می‌داند، به خاطر این است که زیر بار تحمیل دولت آمریکا نرفته است. دولت آمریکا یک دولت استکباری است، حق مداخله در کشورها را برای خود قائل است، جنگ‌افروزی می‌کند، در امور کشورها مداخله می‌کند؛ امروز مشاهده می‌کنید [که] این قضیه دیگر از محدوده کشورهای آسیا و آفریقا و

آمریکای لاتین فراتر رفته است، به اروپا رسیده؛ در امور آنها هم دخالت می کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

حمایت از کشورهای مظلوم (آزادی قدس):

حمایت از کشورهای مظلوم و در رأس آنها فلسطین اشغالی یکی از محورهای مهم درک سیاست خارجی ایران برای نظم بخشی به منطقه است. ایده حمایت از مظلوم نه تنها در اسلام ریشه دارد، بلکه بارها حضرت امام خمینی «ره» و آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی، بر آن تأکید کرده اند.

مسئله فلسطین امروز در رأس مسائل سیاسی امت اسلام است و همه موظف اند برای آزادی و نجات ملت فلسطین تلاش و مجاهدت کنند (بیانات مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی با رهبر انقلاب ۱۳۹۶/۰۹/۱۵).

امت گرایی و پرهیز از تفرقه:

یکی از مفاهیم اساسی در اسلام و قرآن، نظریه امت است. این مفهوم برآمده از اندیشه سیاسی اسلام در برگیرنده مفاهیمی مانند قوم، قبیله، عشیره، گروه های نژادی و نیز ملت با عناصر قوام بخش ارزش های آسمانی مذهب به رهبری پیامبر (ص) و سپس جانشینان ایشان است. نظریه امت در اندیشه جغرافیای سیاسی اسلام ابتدا منحصر به جامعه ی مسلمانان نبود و غیرمسلمانان را نیز شامل می شد؛ اما ایدئولوژی اسلامی با ملی گرایی فرا آمده از ارزش های عرفی انسان گرایانه در سرشت و اهداف در تضاد با یکدیگرند. در جهان اسلام، ملی گرایی نقشی در خور توجه در ساخت شبه دولت های فاقد ملت نداشته است. می توان یکی از دلایل آن را تأثیر ارزش های جهان گرایی اسلام در فرایند امت سازی دانست.

از همه کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است، قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند تا ابد گرفتارند (پیام حضرت امام خمینی «ره» به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲).

بیداری اسلامی در دنیای عرب بشارت‌دهنده تجدید حیات اسلام و تفکر و تمدن اسلامی و عبور نظم عالم به نظمی جدید است که تفکر اسلامی، کانون شکل‌گیری و نضج آن است. نظمی که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز آن بود و تحولات اخیر در دنیای عرب در امتداد آن قرار دارد. در این میان، سؤال این است که هدف نهایی این تحولات و جنبش‌های عظیم با محوریت تفکر اسلامی چیست و در نهایت به چه چیزی باید ختم شود؟ مقام معظم رهبری در اولین اجلاس بیداری اسلامی در ۶ شهریور ۱۳۹۰ به این سؤال چنین پاسخ دادند: «هدف نهایی را باید امت واحد اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید قرار داد».

تأکید بر مقاومت:

وقتی از مقاومت صحبت می‌شود، اذهان به سمت جریان‌های سیاسی خاصی در منطقه می‌رود که در مقابل جبهه استکبار و زیاده‌خواهی‌های صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند. البته این فعالیت، دور از مقاومت مورد اشاره در قرآن نیست. مقاومت این جریان‌ها که به دفاع از جان، مال، ناموس و دین خود برخاسته‌اند، مبتنی بر همان فرهنگی است که از کتاب و سنت گرفته شده است. محور مقاومت در منطقه به مقابله با رژیم صهیونیستی و دسیسه‌های ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در ۳۰ خرداد ۱۳۹۶ فرمودند: «محور اصلی این نقشه، قلب این نقشه (خاورمیانه بزرگ) عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق. این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید

عمدتاً آنها را پیاده بشود؛ چه جوری پیاده بشود؟ دولتهایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هر چه آمریکا می خواهد اطاعت کند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه می شود با انداز رژیم صهیونیستی و در این منطقه از نیل تا فراتی که آنها گفته بودند، به شکلی تأمین خواهد شد؛ ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلط معنوی و واقعی. این را می خواستند انجام بدهند. این ها می خواستند کاری بکنند که عراق، [این] کشور تاریخی با عظمت، با این همه افتخارات، تحت تسلط صهیونیست ها و آمریکایی ها قرار بگیرد؛ سوریه مرکز به این مهمی، کانون مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی، در واقع در اختیار رژیم صهیونیستی قرار بگیرد؛ لبنان هم که تکلیفش معلوم است، این را می خواستند و این کار را می خواستند انجام بدهند. وظیفه ملت ها، دولت های منطقه و آزادی خواهان جهان در قبال مسأله فلسطین چیست؟ خطرهای ناشی از حضور رژیم صهیونیستی هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد و لذا مقاومت باید از همه ابزارهای لازم برای استمرار کار خود برخوردار باشد و در این مسیر، همه ملت ها و دولت های منطقه و همه آزادی خواهان جهان وظیفه دارند نیازهای اساسی این ملت مقاوم را تأمین کنند؛ چه بستر اصلی مقاومت، ایستادگی و پایداری ملت فلسطین است که خود فرزندان غیور و مقاوم را پرورش داده است».

حمایت از نهضت های اسلامی و آزادی بخش مردمی:

یکی از آرزوهای دیرین بشر، برچیدن بساط ظلم و بیدادگری از جامعه و حکم فرمایی صلح و آرامش و اجرای عدالت در سراسر جهان است. این اندیشه هماهنگ با سرشت انسان است؛ به همین علت، هرگاه برای گروهی از ملت ها زمینه قیام فراهم شده، به مبارزه با حکومت ظلم و جور پرداخته اند و بسیاری از این مبارزه ها نتیجه اش پیروزی اهل حق بوده است.

با ورود جدی‌تر دشمنان به تحولات میدانی این عرصه، رهبری ضمن اعلام موضع رسمی نظام در مقابل حرکت‌های مردمی بر «مرزبندی با حرکت‌های برآمده بر اثر تحریک آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها» تأکید کردند: «موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است: هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکایی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی ببینیم با تحریک آمریکایی‌ها، با تحریک صهیونیست‌ها، حرکتی به راه افتاده است با آن حرکت همراهی نمی‌کنیم ... این موضع ماست» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، در بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰).

مبارزه با تروریسم:

دیدگاه رهبر انقلاب درباره تروریسم و مبارزه با آن:

تفاوت تروریسم در غرب و دنیای اسلام: دنیای اسلام در ابعادی وسیع‌تر، حجمی انبوه‌تر و طولانی‌تر قربانی تروریسم بوده است. تروریسم در دنیای اسلام همواره از طرف برخی قدرت‌های بزرگ حمایت شده است؛ مانند تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان توسط آمریکا.

تضاد سیاست‌های غربی: سرکوب پیشروترین اندیشه‌های برخاسته از مردم‌سالاری به‌رغم اتحاد با عقب‌مانده‌ترین نظام‌های سیاسی در منطقه؛ برخورد دوگانه غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام؛ پشتیبانی از رژیم صهیونیستی به‌رغم کشتار و تخریب‌های تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی در فلسطین.

علت جذب برخی اروپایی‌ها به گروه‌های تروریستی: تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و خشونت‌زا در غرب؛ کاشته‌شدن عقده‌هایی به علت نفرت عمیق حاصل از نابرابری‌ها و تبعیض در غرب و گشوده‌شدن بیمارگونه آن؛

اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم: واکنش‌های عجولانه، حرکات هیجانی و

شتاب‌زده و تدابیر سطحی؛

پیامدهای واکنش عجولانه در مبارزه با تروریسم: افزایش گسست‌های موجود؛ ایجاد انزوا، هراس و اضطراب در جامعه مسلمانان اروپا و آمریکا؛ محروم‌ساختن مسلمانان اروپا و آمریکا از حقوق اصلی‌شان؛ گشودن راه بحران‌های آینده با افزایش قطب‌بندی موجود به‌خصوص با قانونی‌شدن تدابیر سطحی؛

ضرورت‌های پرهیز از رفتار ظالمانه با مسلمانان: ظلم خواه‌ناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد و مسلمانان شایسته این ناسپاسی‌ها نیستند (بیانات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» در نامه رهبر انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸).

نقش ایران در حل بحران سوریه: مقابله با آشوب:

تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، اکثر کشورهای غرب آسیا به‌طور سنتی تأمین‌کننده منافع قدرت‌های استعمارگر بزرگ همچون ایالات متحده بودند؛ اما وقوع انقلاب اسلامی ایران این واقعیت را نشان داد که می‌توان حتی یک کشور وابسته را به استقلال رساند. انقلاب اسلامی ایران از زمان شکل‌گیری، الگویی برای کشورهای دیگر منطقه شد که در چنگال استعمارگران بودند. هنگامی که موج بیداری اسلامی، کشورهای منطقه را یکی پس از دیگری در بر گرفت؛ برخی کشورها از هراس الگوگیری قیام‌های مردمی از انقلاب اسلامی ایران سعی کردند با ایجاد گروه‌های تکفیری و تروریستی در منطقه مانع از شکل‌گیری روند جدیدی در منطقه شوند. این امر همراه سیاست‌هایی که آمریکا و متحدان منطقه‌اش برای مهار ایران اتخاذ کردند، موجب شد که جمهوری اسلامی ایران با شکل‌دادن به محور مقاومت از یک‌سو و حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای و مدیریت آن‌ها از سوی دیگر، سیاست‌های مداخله‌گرایان غرب را ناکام بگذارد و مانع شکل‌دهی غرب به نظم منطقه‌ای دلخواه خود در غرب آسیا شود. بر این

اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور انقلابی که حامی ملت مظلوم است و صلحی فراگیر را در منطقه پیگیری می‌کند، به کمک مردم شتافت تا بتواند نظم منطقه‌ای مدنظر خود را شکل دهد. در این راستا بررسی نقش ایران در مقابله با آشوب در کشور سوریه حائز اهمیت است (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

همکاری سوریه با ایران نیز فرصت‌های مناسبی برای حکومت سوریه فراهم ساخت تا بتواند از بحران داخلی نجات یابد، مشکلات اقتصادی خود را تا حدی حل کند و در مسئله لبنان تنها نماند. اتحاد سوریه با ایران می‌توانست حداقل دو فایده در ارتباط با بحران داخلی این کشور داشته باشد؛ نخست اینکه پذیرش حکومت سوریه توسط ایران می‌توانست به آن مشروعیت داخلی ببخشد. دوم اینکه تقویت روابط با ایران می‌توانست موجب تفرقه میان اپوزیسیون مذهبی سوریه شود. همچنین کمک‌های اقتصادی ایران به سوریه، یکی از مهم‌ترین فواید هماهنگی و همکاری این کشور با ایران بود. سوریه در این زمان، با کاهش درآمدهای نفتی از یک سو و کاهش کمک‌های کشورهای عرب خلیج فارس از سوی دیگر مواجه بود. همچنین شرایط داخلی اقتصاد سوریه نابسامان بود؛ از این رو، همکاری اقتصادی با ایران می‌توانست برخی مشکلات دولت سوریه را برطرف کند. مجموع این دلایل باعث شد تا روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه دوستانه باشد (موسوی دهمردی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶).

به طور کلی، راهبرد عملیاتی ایران برای کمک به حکومت سوریه را باید شامل موارد زیر دانست: ۱- کمک‌های اقتصادی؛ ۲- حمایت و پشتیبانی اطلاعاتی؛ ۳- کمک‌های تسلیحاتی و ارائه تجهیزات نظامی؛ ۴- فرستادن متخصصان و افسران فنی و هدایت عملیات ارتش سوریه علیه مخالفان؛ ۵- تشکیل و آموزش نیروهای مردمی. علاوه بر راهبرد عملیاتی، دو هدف عمده حمایت ایران از سوریه به شرح زیر است:

الف) حفظ موقعیت راهبردی و افزایش نفوذ منطقه‌ای: نگاه راهبردی ایران

به سوریه عاملی برای حرکت رو به جلو در منطقه، حفاظت استراتژیک و عمق‌بخشیدن

به قدرت و نفوذ خود در خاورمیانه بوده است. با توجه به شرایط منطقه، هر جایگزین جدید برای بشار اسد می‌توانست همکاری و پیمان استراتژیک ایران و سوریه را که برای تهران جنبه حیاتی دارد، به مخاطره اندازد. به همین علت، بحران سوریه یک تهدید بزرگ برای موقعیت استراتژیک ایران در منطقه و یک فرصت طلایی برای کشورهای سنی منطقه بود تا با قطع اتحاد ایران و سوریه، توازن قوا را به نفع خود تغییر دهند که البته در این امر ناکام مانده‌اند.

ب) حفظ محور مقاومت: اصطلاح محور مقاومت بیانگر اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران، سوریه و قوی‌ترین بازیگران غیردولتی عرب شامل حزب‌الله لبنان و برخی گروه‌های فلسطینی است که همواره در خط مقدم مخالفت و مبارزه با رژیم صهیونیستی، رد سیاست‌های غرب (به‌ویژه ایالات متحده) در خاورمیانه و مخالفت با سیاست‌های برخی رژیم‌های محافظه‌کار عرب منطقه از جمله عربستان سعودی گام برداشتند. از سوی دیگر، از آنجا که سیاست‌های منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای ایران در راستای حمایت از جنبش‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد در تضاد با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده و همچنین حمایت از حزب‌الله لبنان از راه سوریه برای ایران بسیار حائز اهمیت است؟ تحولات سوریه به‌طور مستقیم بر منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است (میرزایی جگرلویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳).

علاوه بر مسأله اهمیت محور مقاومت برای ایران، جمهوری اسلامی ایران به این دلیل در بحران سوریه حضور پیدا کرده است که در مجموع قدرت متراکم و توانایی تهاجمی کشورها و بازیگران مخالف و معارض در بحران سوریه را تهدیدزا دانسته و معتقد است در صورت مقابله‌نکردن با آن‌ها در آینده نزدیک، نه تنها باعث از بین رفتن متحدان ایران در منطقه می‌شوند؛ بلکه تهدیدها به نزدیکی مرزهای کشور می‌رسد و امنیت ملی و سرزمینی ایران را از بین می‌برد. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران

توانسته با حمایت‌های خود از دولت سوریه، این کشور را همانند عراق به مرز پیروزی برساند. نظام جمهوری اسلامی ایران همیشه از حقوق ملت‌ها دفاع می‌کند و معتقد به عدم دخالت در امور داخلی کشورهاست؛ چنان که رهبری در این زمینه می‌فرماید: «حرف ما در این زمینه مستحکم‌ترین حرف‌ها است. ما معتقدیم معنی ندارد کشورهای دیگر دور هم جمع می‌شوند و راجع به یک نظام حکومتی و رئیس آن حکومت تصمیم بگیرند. این بدعتی خطرناک است که هیچ حکومتی در جهان اجرای آن را درباره خود نمی‌پذیرد. راه‌حل مسأله سوریه، انتخابات است و برای آن کار باید با قطع کمک‌های مالی و نظامی به معارضین، ابتدا جنگ و ناآرامی پایان پذیرد تا مردم سوریه در محیطی امن و آرام هر کس را می‌خواهند انتخاب کنند. مرجع قرارداد یکی از گروه‌های مسلح برای تصمیم‌گیری و تشکیل دولت، منطقی و مورد قبول نیست؛ و این‌گونه فرمول‌ها عملاً باعث ادامه یافتن جنگ می‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۰۸/۱۰).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت متغیرها، این نوع پژوهش از نوع «کاربردی» خواهد بود؛ پژوهش کاربردی با استفاده از نتایج به‌منظور بهبود و به‌کمال‌رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، ساختارها و الگوها، مورد استفاده کاربران سیاست خارجی قرار می‌گیرد (مهاجری ۱۳۸۶: ۱۲). پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی (اعتبارسنجی) است تا با توصیف وضع موجود به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شود. جمع‌آوری اطلاعات در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به نظرات کارشناسی ۶۵ نفر از نیروهای مدافع حرم و اساتید صورت گرفته است. ضمن اینکه، نگارنده در پژوهش حاضر سعی نموده است تا بدون هیچ دخالت شخصی و یا استنتاج ذهنی پژوهش را به یک نتیجه علمی رسانده تا نتایج عینی به دست بیاید.

تجزیه و تحلیل و یافته های پژوهش:

توزیع فراوانی شاخص های مؤلفه امنیت دفاعی:

مؤلفه ای امنیت دفاعی دارای ۹ شاخص است که توزیع فراوانی آن ها به شرح زیر

است:

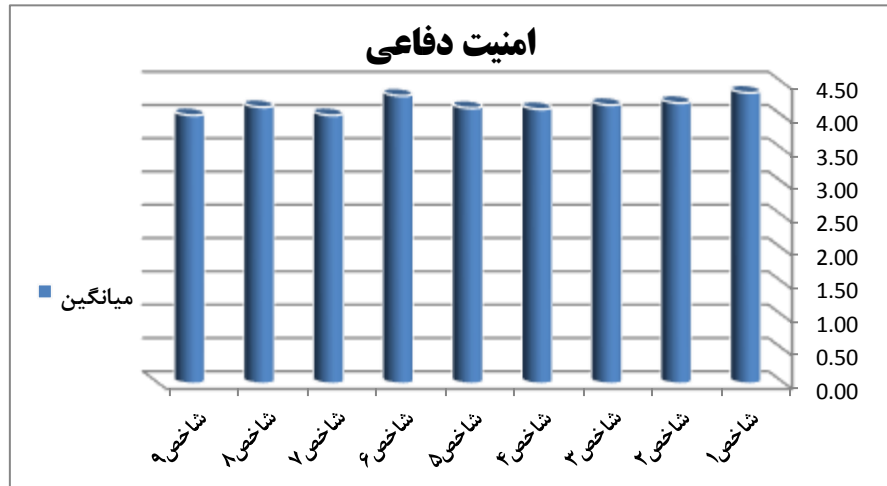
مؤلفه ها	ردیف	شاخص ها
مؤلفه های دفاعی	۱	نقش عربستان در شکل گیری و تقویت ناآرامی ها و تحولات سوریه
	۲	تلاش عربستان در به کارگیری و مدیریت ابزارهای امنیتی در قبال تحولات سوریه به نفع خود
	۳	استفاده عربستان از قدرت سخت و حمایت از گروه های سلفی مسلح وابسته به القاعده
	۴	تحریک اختلافات قومی و مذهبی در داخل سوریه از سوی عربستان
	۵	ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با ارائه اندیشه سلفی گری
	۶	القای شکل گیری هلال شیعی و جو ایران هراسی در میان کشورهای منطقه
	۷	جمع آوری کمک های مالی برای شورشیان سوریه از مسیرهای گوناگون
	۸	حمایت مستقیم در شکل گیری جبهه النصره و جبهه اسلامی
	۹	ایفای نقش عربستان در اتحادیه عرب و تعلیق عضویت سوریه در این اتحادیه

جدول توزیع فراوانی شاخص‌های مؤلفه‌ی امنیت دفاعی

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		شاخص‌ها
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴,۳۷	۵۰,۸	۳۳	۳۶,۹	۲۴	۱۰,۸	۷	۱,۵	۱	۰	۰	۱ شاخص
۴,۲۲	۴۳,۱	۲۸	۳۶,۹	۲۴	۱۸,۵	۱۲	۱,۵	۱	۰	۰	۲ شاخص
۴,۱۸	۴۴,۶	۲۹	۳۳,۸	۲۲	۱۶,۹	۱۱	۴,۶	۳	۰	۰	۳ شاخص
۴,۱۲	۴۴,۶	۲۹	۲۹,۲	۱۹	۲۰,۰	۱۳	۶,۲	۴	۰	۰	۴ شاخص
۴,۱۴	۴۳,۱	۲۸	۳۲,۳	۲۱	۲۰,۰	۱۳	۴,۶	۳	۰	۰	۵ شاخص
۴,۳۲	۵۳,۸	۳۵	۲۹,۲	۱۹	۱۳,۸	۹	۱,۵	۱	۱,۵	۱	۶ شاخص
۴,۰۳	۳۶,۹	۲۴	۳۵,۴	۲۳	۲۱,۵	۱۴	۶,۲	۴	۰	۰	۷ شاخص
۴,۱۵	۴۰,۰	۲۶	۴۱,۵	۲۷	۱۲,۳	۸	۶,۲	۴	۰	۰	۸ شاخص
۴,۰۳	۴۱,۵	۲۷	۳۰,۸	۲۰	۱۶,۹	۱۱	۱۰,۸	۷	۰	۰	۹ شاخص

جدول مؤلفه‌ی امنیت دفاعی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۴	دامنه تغییر	۳	نما	۶۵	تعداد
۱	حداقل	۰,۶۱۶	انحراف معیار	۴,۲۰	میانگین
۵	حداکثر	۰,۳۸۰	واریانس	۴,۲۰	میان



نمودار شماره ۱- توزیع فراوانی شاخص‌های مؤلفه امنیت دفاعی

بر اساس نظرات پاسخ‌دهندگان، میانگین مربوط به مؤلفه‌ی امنیت دفاعی (۴/۲۰) است که این عدد از میانگین متوسط (۳) بالاتر است؛ یعنی از نظر پاسخگویان نقش عربستان در تحولات سوریه، بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران مؤثر و مورد پذیرش می‌باشد.

از میان شاخص‌های فوق، شاخص شماره ۱ «نقش عربستان در شکل‌گیری و تقویت ناآرامی‌ها و تحولات سوریه» با میانگین (۴/۳۷) به عنوان مهم‌ترین شاخص، بالاترین امتیاز را دارا است.

سؤال پژوهش: نقش عربستان در تحولات سوریه تا چه حد بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است؟
به‌منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌ی فوق از آزمون t تک نمونه استفاده شد که در ادامه آمده است:

جدول آزمون T یک متغیره

مقدار آزمون $\mu = 3$								سؤال اصلی
سطح اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	میانگین	تعداد	
حد بالا	حد پایین							
۱,۳۳	۱,۰۲	۱,۱۷	۰,۰۰۰	۶۴	۱۵,۳۶۷	۴,۱۷	۶۵	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵)، تفاوت بین میانگین نمونه مورد بررسی (۴/۱۷) و میانگین فرضی (۳) معنادار است. از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین نمونه مورد بررسی بزرگ‌تر از میانگین فرضی جامعه است، لذا نتیجه گرفته می‌شود نمونه مورد بررسی میزان تأثیر نقش عربستان در تحولات سوریه بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بیشتر از متوسط ارزیابی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری:

نقش عربستان در تحولات سوریه و تأثیر آن بر امنیت دفاعی جمهوری

اسلامی ایران

مؤلفه‌ی امنیت دفاعی دارای ۹ شاخص است که براساس نظرات پاسخ‌دهندگان، میانگین مربوط به مؤلفه‌ی دفاعی - امنیتی (۴/۲۰) است که این عدد از میانگین متوسط (۳) بالاتر است؛ یعنی از نظر پاسخگویان نقش عربستان در تحولات سوریه، بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران مؤثر و مورد پذیرش می‌باشد. از میان شاخص‌ها، شاخص «نقش عربستان در شکل‌گیری و تقویت ناآرامی‌ها و تحولات سوریه» با میانگین (۴/۳۷) به عنوان مهم‌ترین شاخص، بالاترین امتیاز را دارا است. عربستان سعودی با توجه به استراتژی سیاست خارجی‌اش که بخشی از آن را مهار و جلوگیری

از نفوذ ایران در منطقه تشکیل می‌دهد، نقش بارزی در تحولات این کشور ایفا نموده است و اقدامات گسترده‌ای، از حمایت مالی و معنوی از شورشیان القاعده گرفته تا مشارکت فعال در محور غربی-عربی در جهت متقاعدکردن دیگر کشورها برای حمایت از مخالفان حکومت سوریه و در نهایت تلاش بی‌وقفه برای حمله به این کشور انجام داده است. اگرچه دولت عربستان در ایجاد بسیج بین‌المللی برای مداخله در سوریه موفق نبود، اما توانست از این طریق ضمن تأمین مالی و تسلیحاتی شورشیان این کشور به تضعیف دولت بشار اسد کمک کند. پس در این راستا می‌توان گفت بحران سوریه نه تنها بر سیاست خارجی و امنیت ملی و منطقه‌ای ایران و همچنین رهیافت‌های تقابل‌گرایانه آمریکا با ایران نیز اثر گذاشته است و به دو گونه سلبی و ایجابی که از یک طرف با ایجاد چالش‌های امنیتی و آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی، همه ابعاد امنیت ملی را به مخاطره انداخته و می‌اندازد که در صورت عدم چاره‌جویی، ضریب امنیت دفاعی را کاهش می‌دهد؛ از سوی دیگر، فرصت‌های مناسبی نیز برای ایران فراهم ساخته و می‌سازد که به شرط بهره‌برداری و استفاده مناسب و بهینه از آن‌ها، پایه‌های امنیت ملی تحکیم شده و ضریب امنیت دفاعی افزایش می‌یابد.

پیشنهادها:

برای مقابله با آثار و پیامدهای منفی تحولات سوریه بر امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران که به افزایش و ارتقای سطح امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز منجر می‌شود، راهکارها و مکانیسم‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد که به شرح زیر مورد شناسایی و تأکید قرار دارد:

سیاست امنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید با هدف مقابله با تهدیدات نرم و سخت طراحی شود. جمهوری اسلامی ایران با طیفی وسیع از تهدیدات نوین و پیچیده مواجه است. به این ترتیب نیاز به نوعی راهبرد است که تأمین‌کننده حداکثر منافع و

امنیت ملی باشد. در این حالت مقابله با تهدیدات، راهبرد «تبدیل تهدیدها به فرصت» به عنوان یک راهبرد جدید در سیاست دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران با شیوه مقابله پیش‌دستانه در مواجهه با جنگ‌های آینده پیشنهاد می‌شود:

- انتقال کانون تهدید از اطراف جمهوری اسلامی ایران باعث انتقال پایگاه‌های دشمن از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد؛
- بررسی و شناسایی نقش کشورهای غرب آسیا در ناآرامی‌های منطقه و تأثیر آن‌ها در جنگ‌های امروزی و آینده؛
- ایجاد اتحاد و همبستگی مذاهب و گروه‌های داخلی کشور سوریه به منظور جلوگیری از اختلافات قومی-مذهبی؛
- جمع‌آوری و کمک‌های مالی به مردم سوریه و جلوگیری از پیوند مردم با گروه‌های مخالف دولت سوریه به دلیل فشار اقتصادی؛
- توسعه قابلیت‌های دفاعی برای دفاع در برابر خطرهای موجود در محیط بیرونی نظام سیاسی؛
- تلاش برای ایفای نقش الگوی ایران در شکل‌دهی نظم نوین منطقه و بین‌المللی؛
- ارائه الگوی نظم منطقه‌ای ایران مقابل اندیشه وهابیت؛
- ایجاد یک تشکل نظامی-مردمی مثل بسیج ایران در سوریه.

منابع و مراجع

- (۱) اسماعیل پور روشن، علی اصغر (۱۳۹۶). تحلیل و مقایسه اهداف ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در بحران ۲۰۱۱ سوریه با تأکید بر امنیت رژیم صهیونیستی و نقش منطقه‌ای ایران. فصلنامه جغرافیا، س ۷، ش ۲.
- (۲) آشوری، داریوش (۱۳۹۰). دانشنامه سیاسی؛ فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی. چاپ بیستم، تهران: انتشارات مروارید.
- (۳) یوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۴) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲.
- (۵) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- (۶) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- (۷) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در نامه رهبر انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸.
- (۸) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع مسئولان نظام، در روز عید مبعث ۱۳۹۵/۰۹/۲۷.
- (۹) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۰۸/۱۰.
- (۱۰) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره مهم‌ترین وظایف امت اسلامی پس از حوادث بیداری اسلامی، ۱۳۹۴/۰۷/۰۱.
- (۱۱) بیانات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی با رهبر انقلاب ۱۳۹۶/۰۹/۱۵.

- (۱۲) تحقیق جامعی از گروه پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالاعلام المدرسه اهل‌البیت علیه السلام با همکاری دبیرخانه دائمی کنگره مقابله با جریان‌های تکفیری، ۱۳۹۵.
- (۱۳) جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۱۴) صفوی تهامی، حمزه (۱۳۸۷). کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- (۱۵) عبدالحسین زاده شراره، نظم و آشوب، «الگوی ایران در شکل‌دهی به نظم نوین منطقه‌ای و بین‌المللی» تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۹۷.
- (۱۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- (۱۷) قناد باشی، جعفر (۱۳۹۶). سیاست‌های ریاض تأمین‌کننده منافع رژیم صهیونیستی. نشریه جام جم، شماره خبر: ۱۳۹۶، ۲۹۹۰۴۱۵۶۱۱۶۱۶۷۸۶۲۶۴ قابل‌بازیابی در پیوند زیر: <http://press.jamejaonline.ir/Newspreview/2990415611616786264>
- (۱۸) کرمی، کامران (۱۳۹۲). عربستان و بحران سوریه در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- (۱۹) کریمی فر، حسین (۱۳۹۳). تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان در قبال بحران‌های خاورمیانه (۱۳۷۹-۲۰۱۵). فصلنامه پژوهش روابط بین‌الملل، دوره اول، ش ۲۱.
- (۲۰) بشارتی، محمدرضا (۱۳۹۵). تحولات سوریه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سخنوران.
- (۲۱) موسوی دهمردی، محمد و همکاران (۱۳۹۵). تبیین سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۳، ش ۴۷، ص ۵۶.
- (۲۲) عسکری، محمود و مینایی، حسین (۱۳۹۳). امنیت و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد دانشگاه جنگ ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- (۲۳) نیاکویی، سیدامیر و بهمنش، حسین (۱۳۹۱). بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها. فصلنامه روابط خارجی، زمستان، شماره.

- ۲۴) هدایتی شهیدانی، مهدی و سجاد مرادی کلارده (۱۳۹۴). مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چند سطحی، «آفاق امنیت، ش ۲۳».
- ۲۵) همیانی، مسعود (۱۳۹۴). تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف. سیاست خارجی، س ۲۹، ش ۱.

منابع خارجی و وب‌گاه‌ها

- ۲۶) P.melryn Leffler.(۱۹۸۴) "The American conception of National security and the Beginnings of cold war", ۱۹۴۵-۴۸, American Historical Review ۸۹(۲).PP. ۲۴۶-۸۱.
- ۲۷) Barzegar, Keyhan, (۲۰۱۳), "The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East", Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School, October ۳۰. From: <http://www.powerandpolicy.com/۲۰۱۲/۱۰/۳۰/the-arabspring-and-the-balance-of-power-in-the-middle-east/> (accessed on December ۸, ۲۰۱۳).
- ۲۸) "<http://www.fragilestates.org/۲۰۱۲/۰۲/۲۰/syrias-ethnic-andreligious-divides>
- ۲۹) <http://www.fa.wikipedia.org/wiki/۲۰۱۳/۰۹/۰۳>
- ۳۰) <http://www.irna.com/en/head/۰۲۰۳۱۶۲۳۰۵۱۲.ehe.shtml>.
- ۳۱) Harriet, Sherwood, (۲۰۱۲), "Arab League Urges Joint UN-Arab Peacekeeping Mission in Syria", The Guardian, February ۱۲. (<http://www.guardian.co.uk/world/۲۰۱۲/feb/۱۲/syria-arab-league-un-peacekeeping>) (Accessed on September ۲۱, ۲۰۱۳).